

صحبت بېرک کارمل
با
قوماندها، پیوسته به دولت

بازیپ و تدوینر دیکتال: قاسم آسمانی
بازپنخس: لشارت رلوپهجم

شناسنامه جزوه

عنوان: صحبت بېرک کارمل با قوماندانان پیوسته
به دولت (۲۲ حوت ۱۳۶۱)

بازپخش: انتشارات راه پرچم دسمبر ۲۰۲۱

فشرده میانه شفاهی رفیق برک کارل منشی عمومی کمیته مرکز حزب دموکراتیک
خلق افغانستان، و رئیس شوراس انقلابی جمهور دموکراتیک افغانستان که هنگام
پذیرفتن سرکردگان کردها مسلح به تاریخ ۲۲ صحت ۱۳۶۱ در تالاد سلام خانه،
مقر شوراس انقلابی، ایراد کردید.

بنام خداوند بزرگ و توانا!

برادران هموطن!

اولتر از همه ورود شما را به کابل به پایتخت ج. د.ا انقلابی از صمیم قلب خوش آمدید می گویم، از طرف حزب دموکراتیک خلق افغانستان، جبهه ملی پدر وطن، از طرف شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و هیات رئیسه آن و حکومت بازهم بنا بر اینکه برادران هموطن بدولت خود، به آغوش پدر وطن خود، به آغوش مردم خود، به حزب و انقلاب، به جبهه ملی پدر وطن پیوسته اند و به خصوص از طرف خود، از صمیم قلب شادباش می گویم.

برادران هموطن!

طی چندروزی که در کابل تشریف داشتید شما از تمام حقایق تلخ و واقعی، مردم افغانستان را، دوستان را، دشمنان را، بسیار عمیق آگاه نمودید، من تمام گزارشات را تعقیب کردم.

هیچ گاه انسان های شریف و نجیب وقتی که به حقایق پی می برند دیگر خون را با خون نمی شویند و هم چنین بر اساس

سنن و عنعنات ملی افغان‌ها وقتی که دو مخالف و دو دشمن سنگ دوستی را با هم می‌گذارند، یکی برای دیگری حتی از جان خود می‌گذرند. البته این امر در روابط اشخاص است. در رابطه بین ملت و دولت، یک دولتی که خدمت‌گذار مردم باشد، یک دولت ملی، یک دولت



دموکراتیک هیچ‌گاه در برابر مردم خود، ملت خود، از سلاح تا که مجبور نگردد، استفاده بعمل نمی‌آورد.

به اساس اراده‌ی شما مردم افغانستان به رهبری ح.د.خ.ا، و به کمک قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان، انقلاب ثور رخ داد. ما در همان آغاز انقلاب ثور اعلام داشتیم که انقلاب ما ملی و دموکراتیک است و به دین مقدس اسلام نه تنها احترام می‌گذارد؛ بلکه اصول و اساسات آن را رعایت می‌کند. در همان بدو انقلاب ثور ابراز

داشتیم که افغانستان کشوریست آزاد، مستقل و در جهان از خود بیرق مستقل در حال اهتزاز دارد.

مردم شرافتمند و زحمت کش و مسلمان افغانستان، دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به هیچ نیروی شیطانی در جهان اجازه نمی‌دهند که به ما درس اسلامیت بدهد، بلکه این افغان‌ها بودند که دیگران را در راه اسلام هدایت کردند. تمام تاریخ شاهد این قضیه است که در اطراف و اکناف ما، امروز، کسانی که داد از اسلام می‌زنند توسط افغان‌ها بدین اسلام مشرف شده‌اند.

پس برادران هموطن!

امروز يك عده کسانی که در کشور بر اثر تحریکات دشمنان دیرین افغانستان، دشمنان پدر وطن افغانستان زیر ماسک دروغین اسلام، علیه اسلام، زیر نام آزادی افغانستان، علیه آزادی افغانستان می‌رزمنند در طول تاریخ دشمنان افغانستان بوده‌اند. امروز ما مصمم هستیم که از اسلام واقعی و حقیقی صیانت کنیم.

برادران هموطن!

همیشه از همان بدو پیدایش دین اسلام دو نوع اسلام بود، يك اسلام واقعی و حقیقی و محمدی، یکی اسلام منافقین

که آن وقت هم وجود داشت. از آن تاریخ تا کنون همیشه این دو سیر از اسلام وجود داشته است.

امروز يك نوع اسلام بنام اسلام امريكايي وامپرياليسى و چينايي و دست نشانندگان آن و مرتجعين در جهان و ديگر اسلام واقعي و حقيقي است كه افغانستان در سنگر مقدس آن قرار دارد. ما از بدو امر، وقتي كه حزب ما تاسيس مي گرديد تا به امروز تعهد سپرده ايم كه به چيزي كه معتقد هستيم آن را خواهيم گفت و آن را عمل خواهيم كرد. و آن عبارت از چيست؟ عبارت از حقيقت است و ما در راه حقيقت، حق و عدالت در كشور خود مبارزه كرديم، مبارزه مي كنيم و تا به اخير مبارزه خواهيم كرد.

ما به مردم خود، مردم شرافتمند و نجيب، دلير و شجاع و زحمت كش خود اعتقاد راسخ داريم كه مردم مادر پيوند با دولت مردمی خود یعنی با دولت خود يكجا افغانستان را دفاع می کنند، آزادی و استقلال افغانستان را دفاع می کنند و يك افغانستان مترقي، شگوفان، سريلند و آزاد در جهان بازهم پيشرفته تر و مترقي تر ايجاد می نمايند.

از جمله آرمان های انقلاب ثور به چند نکته باز هم تماس خواهيم گرفت و آن عبارت از اين است كه انقلاب برای خدمت به مردم زحمت كش بوجود آمد تا قدرت های جبار،

ظالم، ستمگر و استثمارگر را از کشور محو بسازد و توده‌های عظیم مردم از یوغ استبداد نجات پیدا کنند و بتواند به کمال آزادی به عبادت خود، به کار و زحمت در ساختمان جامعه، به رفاهیت خانواده، کودک، ناموس، شرف و افتخارات خود کار و پیکار نمایند.

از بدو پیدایش جوامع بشری همیشه در کشورها در جوامع بشری در میان ملل، انقلاب‌هایی رخ داده است، در افغانستان هم چنین جهش‌هایی انقلابی رخ داده است. انقلاب ما از نوع انقلاب مردمی‌ای بود که برای تامین سعادت، رفاه و عدالت در کشور به وجود آمد و لیکن از انقلاب مردمی افغانستان، از انقلاب ملی و دموکراتیک مردم زحمتکش مسلمان افغانستان تب لرزه به جان دشمنان افتاد. دشمنان چه در داخل، چه سلاطین مستبد، والاحضرت‌ها، سردارها، شاهزاده‌ها، اعیان، اشرافی، سودخوران، قاچاق‌بران، افراد ظالم و ستم‌گر در سراسر افغانستان از يك سو و دشمنان خارجی، ارتجاع و امپریالیزم به كمك دشمنان دیرین ما محافل حاکمه پاکستان (نه مردم مسلمان پاکستان که مابین این دو باید فرق قایل باشیم) يك جبهه متحد نامقدس را علیه انقلاب افغانستان، انقلاب ثور افغانستان آغاز نهادند و با کمال تاسف طوری که همه شما به تفصیل توضیح دادید در آنجا یکی از

نمایندگان خود را، یا یک گروه از نمایندگان خود را در داخل حزب ما، انقلاب ما، دولت ما نفوذ دادند تا حزب، دولت و انقلاب که باید در خدمت مردم قرار می‌گرفت شیوه انحرافی و کجروی را اتخاذ نماید و ضد مردم قرار گیرد.

به ارادهٔ فرزندان خودتان فرزندان مردم افغانستان تحول شش جدی یا مرحله نوین انقلاب ثور ظهور کرد، مرحله جدید در بدو امر، از اولین اعلامیه که صادر کرد از جمله عفو عمومی زندانیان را اعلام داشت. بدون فرق اندیشه و مفکوره و اینکه به کدام به اصطلاح حزب یا جمعیت یا قوم یا ملیت، یا مذهب تعلق داشته باشد بلااستثنا همه آزاد گردیدند. البته هموطنانی که از تیغ خونین امین جلاد زنده باقی مانده بودند.

مگر ببینید!

دشمنان قسم خورد و مردم افغانستان به مجردی که از زندان خلاص شدند، آزاد شدند، به پاکستان فرار کردند و در آنجا دوباره ضد مرحله جدید، مردم، دولت ما، حزب انقلاب و وطن ما به کمک دشمنان، مبادرت نمودند.

همچنین بنابر تحریکات ارتجاع و امپریالیزم به خصوص وقتی که انقلاب آزادی بخش مردم افغانستان بوجود آمد تا یک افغانستان قوی، مقتدر، نیرومند، غنی و پیشرفته

ایجاد گردد در این وقت محافل حاکم، دشمنان از ترس انقلاب آزادی‌بخش در افغانستان علیه افغانستان قرار گرفتند.

یکتن از شما يك مسأله بسیار مهم تاریخ را بر ملا ساخت و گفت:

اگر شش جدی، مرحله جدید ظهور نمی‌کرد برای ما از طرف گلبدین اطلاع رسیده بود که در هشت جدی به کمک حفیظ‌الله امین آنها قدرت دولتی را بگیرند. یا به عباره دیگر به کمک پاکستان، امریکا و چین قدرت را در افغانستان تصرف نمایند.



ما اطلاعات خاص داشتیم که سرنوشت افغانستان به جایی رسیده بود که بود و نبود مردم افغانستان مطرح بحث بود.

پلان طوری بود که در افغانستان تا قسمت‌های هندوکش تحت نفوذ پاکستان قرار گیرد، یک قسمت در تحت نفوذ کشورهای غربی قرار گیرد. یک قسمت (بدخشان، تخار و غیره) در تحت نفوذ چین قرار بگیرد. و در کابل در مرکز بواسطه حفیظ الله امین و متحدین او مثل گلبدین و غیره و غیره یک حکومت دست نشانده سی. آی. ای امریکا بوجود آید؛ این یک پلان بود.

پلان دیگر این بود که اصلاً بنام افغانستان دیگر در کره زمین، در روی نقشه دنیا کشوری وجود نداشته باشد فقط این پلان چند روزه بود که باید اجرا می‌شد. اینجا بحث دفاع از انقلاب، دفاع از مردم یک طرف قضیه مساله شرف ما، وطن ما، آزادی ما، استقلال ملی ما، حاکمیت ملی ما، تمامیت ارضی ما، افغانستان وطن ناموس و شرف ما در طرف دیگر قضیه مطرح بحث بود، به این نسبت فرزندان صدیق مردم افغانستان و قتی حفیظ‌الله امین را تشخیص دادند و درک کردند و دیدند که زیر عنوان انقلاب به کدام جهت و طرف می‌رود، شروع کردند به فعالیت‌های زیرزمینی که در شش جدی حفیظ‌الله امین سرنگون گردید.

امریکا چه پلان داشت و در تبانی با امین و باند او و به اصطلاح سران و رهبران و امیران خود ساخته امریکا که در پاکستان هستند با کوماندها (گروپ‌های مخصوص تربیه

شده امریکایی با طیارات، همه آمادگی خود را گرفته بودند که در افغانستان از راه زمین از خاک پاکستان و از هوا از طریق پراشوت داخل شوند.

خوب، سابقاً هم شورای انقلابی (بعد از قرارداد دوستی که با اتحاد شوروی عقد شد و در ملل متحد ثبت گردید و بر اساس ماده (۵۱) منشور ملل متحد یعنی به اصطلاح قوانین بین‌المللی چندین بار در حدود چهارده بار قبل از شش جدی) از اتحاد شوروی دعوت بعمل آورده بود که بنابر خطر ارتجاع و امپریالیزم از طریق خاک پاکستان و چین و غیره باید به نجات خاک افغانستان بشتابند. لیکن اتحاد شوروی همیشه این پاسخ را داده بود که شما کوشش کنید که با مردم افغانستان مسایل را حل و فصل کنید، خود مردم افغانستان می‌توانند از خاک و کشور خود دفاع نمایند. مگر افسوس که در آن وقت مردمان ما و هموطنان ما در کوه‌ها پناه برده بودند، هیچ‌گونه وسیله و واسطه وجود نداشت که ما یک جرگه بزرگی وطنی را ایجاد می‌کردیم.

ما بعد از شش جدی به همان خواسته تاکید کردیم برای اینکه در همان شب و روز اگر این اقدام صورت نمی‌گرفت کمک به وقت اتحاد شوروی نمی‌رسید نه تنها یک جنگ خونین داخلی در کشور به وجود می‌آمد بلکه شرف و

حیثیت و آزادی و استقلال افغانستان نیز از بین می‌رفت.
این يك پهلوی قضیه.

پهلوی دیگر قضیه اینکه جنگی در داخل منطقه و حتی در جهان به وجود می‌آمد در این جاست که نکته مهم دیگری را به پیشگاه برادران هموطن خود خاطر نشان بسازم که امپریالیست‌های امریکایی مثل دوران فاشیست‌های هتلری همیشه تحریکات جنگی می‌کنند. کوشش می‌کنند در هر نقطه جهان تشنج را بوجود بیاورند، در شرق میانه اسرائیل را تحریک می‌کنند و همین‌طور در امریکای لاتین، در آسیا که یکی از این نقاط افغانستان است. هدف آنها براه انداختن جنگ تباهکن تمام بشریت است که دیگر انسان در کره زمین وجود نمی‌داشته باشد. این جنگ اتمی است و دو بم خورده اتمی در جاپان استعمال شد دو صد - سه صد هزار نفر را آن‌ا از بین برد.

برادران هموطن!

وقتی که يك دولت ایجاد شد، انقلاب صورت گرفت. دولت هم از خود يك وظیفه دارد یا نه؟ کمال آزادی ماست که حکومت‌های محلی و مردمی بر اساس شوراها و جرگه‌ها در سراسر افغانستان به وجود بیاید. یعنی در هر قریه و ده و علاقه‌داری و و السوالی و ولایت خود مردم گرد هم جمع

شوند بر اساس جرگه‌های وطنی ما، مشوره‌های وطنی ما و جلسات وطنی، مسایل خود را حل و فصل کنند و حتی از مابین خود همان هوشیارترین، فهمیده‌ترین، عادل‌ترین شخص را پیدا کنند و بحیث ولسوال، به حیث يك هیات رئیسه که ده، پانزده بیست نفر باشد که با هم مشوره کنند، انتخاب نمایند که مسایل داخل محل خود را حل و فصل کنند. این از آرمان‌های حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جبهه ملی پدر وطن افغانستان است. البته این داوطلبانه است، به زور و فشار نیست.

آرمان انقلاب ثور به خصوص مرحله نوین تکاملی انقلاب ثور این است که وقتی دولت مردمی می‌گوییم، خود مردم دو لت خود را اداره کنند و ما بتوانیم که لویه جرگه یا يك شورای بزرگ از نماینده‌های سراسر افغانستان را بدون تبعیض و تمایز از تمام اقوام و ملیت‌ها و قبایل افغانستان اعم از پشتون تاجک، ازبک، هزاره، ترکمن نورستانی، بلوچ و غیره و غیره به وجود آوریم و نمایندگان آن درین شورای بزرگ شرکت کنند، حکومت خود را تشکیل کنند یا بنام هیات رئیسه یا رئیس جمهور خودشان دولت و حکومت خود را تشکیل بدهند.

در چوکات جبهه ملی پدر وطن به کمک و رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان که خدمت‌گذار شما است و

باید باشد یکجا همه در يك فضای صلح و برادری و برابری و آشتی و هموطنی و مسلمانی همه در آغوش وطن خود جمع شویم و شروع کنیم به ساختمان يك وطن جدید، يك وطن آباد، يك وطن مرفه.

ما در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان در قوانین و سیاست خود اعلام داشتیم که هر کسی که در افغانستان ضد دین اسلام تبلیغ نماید سخت‌ترین جزا به اساس قانون به وی داده خواهد شد.

خوب باز يك تاکید:

آرمان انقلاب ما چه است؟ چند مطلب را می‌شمارم، در این جا، آزاد و بسیار آزاد مثل يك جرگه وطنی کسی که با من مخالف باشد به جرأت برخیزد و بگوید من با تو مخالف هستم، دلایل ارائه کند، من هم دلایل ارائه می‌کنم، باز به رای گیری می‌سپاریم هر فیصله که شما می‌دهید من هم حاضر هستم.

خوب: آرمان ما چیست؟

ما می‌خواهیم که هر فرد دهقان و خانواده دهقان افغانستان صاحب زمین خود باشد و خودش بالای زمین خود کار کند و دولت برای دهقان کود، بذر، آب و غیره احتیاجاتی که دارد و تراکتور را آماده بسازد و به او بدهد،

برایش پول پیشگی بدهد حاصلاتش را وقتی که از احتیاجاتش زیاد است بخرد، به قیمت مناسب به قیمت خوب بازار برای حاصلات زمینش پیدا بکند.

خوب، در افغانستان در حدود دوصد ملیون جریب زمین بلکه بیشتر، زمینی داریم که با يك سرمایه گذاری چه از دریای آمو یا کوکچه یا هلمند یا دیگر دریاهاى خود اگر آب بکشیم کانالها بکشیم و این زمینهای بایر و بکر خود را آبیاری بکنیم و زندگی دهقانان بیچاره و بدبخت خود را که نه لباس دارند نه خوراك درست که به شما معلوم است، اولاد شان به مکتب رفته نمی‌تواند خانه‌ای که زندگی می‌کند مانند يك مغاره است که انسان در آن زندگی کرده نمی‌تواند. اکثریت شما در مناطق هزاره‌جات، در بدخشان و غیره نقاط کشور دیده باشید.

حالا يك سوال ساده:

این مخالف دین اسلام است؟ کجایش کفر است؟ اینجا مولوی‌ها هستند، مولوی‌ها دیگر ما داریم بیایید يك جرگه بزرگ مولوی‌ها را بوجود آوریم از داخل خود افغانستان، نی که گوش ما به طرف ایران و پاکستان باشد که چه می‌گویند ما خود ما روحانیون داریم، علما داریم دانشمندان داریم، مولوی‌ها داریم، ملاها داریم، ما فتوای کشورهای خارجی را

چرا بپذیریم، مگر از همین افغانستان بزرگ ترین علما و دانشمندان اسلام ظهور نکرده؟

خوب ما برای دهقان خود می‌خواهیم در نزدیک قریه وده اش يك مکتب باشد که از امور دینی، دنیایی و اخروی و مسایل جهان اطلاع حاصل کند، صاحب فهم، صاحب دانش باشد، یعنی خط نوشته بتواند سواد داشته باشد. آیا این مخالف اسلام است که يك مکتب و جود داشته باشد؟

ما برای ده خود می‌خواهیم که يك شفاخانه بسازیم در همان نزدیکی‌های ده يك ولسوالی، بند برق ساخته شود، پروژه آبیاری ساخته شود، برای کارگران باید کار پیدا شود فابریکه باید ساخته شود و منابع زیرزمینی خود را باید بکشیم، کوه‌های ما پر از منابع است باید آنها را بواسطه کارگران خود، بواسطه بازوان مردم خود بیرون بکشیم. ما ملیاردها ملیاردها ذخایر داریم، چرا ما اینها را بیرون نکشیم کشور خود را آباد نسازیم؟ چرا ما سرک‌های بسیار خوب نداشته باشیم؟ چرا ما دهات و خانه‌های خوب نداشته باشیم؟ لباس خوب برای مردم خود نداشته باشیم؟ کشور خود را صنعتی نسازیم؟ برق در تمام دهات خود نبریم؟ برق چیزی بد است؟

مثلاً کوپرا تیف‌ها ساخته می‌شود، کوپراتیف چه است؟
چار نفر می‌نشینند می‌گویند بیابید ما و شما پس انداز می‌کنیم،
یکجا می‌شویم با همدیگر کمک می‌کنیم بدین ترتیب آنکه
زحمت می‌کشد چارچند حاصل می‌گیرد.

ما ملکیت را از بین نمی‌بریم، هر کسی که گفته ملکیت را
در افغانستان کسی از بین می‌برد؛ او خائن به خلق
افغانستان است. میراث حق مردم افغانستان است.

مقدس نگهداشتن و احترام به خانواده از وظایف انسانی و
مقدس ماست.

خوب اگر ما شهرهای خوب داشته باشیم، خطوط آهن
داشته باشیم که از کابل به هرات، از بلخ به جلال‌آباد، و
پکتیا و دیگر مناطق امتداد یابد، چه بدی دارد؟

برادران هموطن!

دولت افغانستان دولت ضعیف نیست، ما یک قوای مسلح
نیرومند و قوی داریم این درست است که قبلاً ما ضعیف
بودیم، دولت ضعیف بود، حتی حالا به واسطه قوای
مسلح خود ما می‌توانیم که در برابر دشمنان افغانستان
مبارزه کنیم.

ما اگر به برادران هموطن خود که به کوه‌ها از دست ظلم و ستم امین و تحریکات دشمن آواره شده اند امروز دست صاف و صادقانه، اسلامی، انسانی و افغانی پیش می‌کنیم این از ضعف نیست، هیچ قدرت اکنون در جهان نمی‌تواند از راهی که اکثریت مردم افغانستان از راه انقلابی‌ای که ما انتخاب کرده ایم ما را بگرداند. پیروزی به اراده‌ی خداوند و اراده‌ی مردم قطعی و حتمیست.

و اکنون نه پاکستان، نه امریکا یا قدرت بزرگ بین‌المللی خود، دیگر جرات این را ندارد که به اندازه یک وجب، یک بلست چشم سوء به خاک مقدس افغانستان داشته باشد. افغانستان از نظر ملی، منطقوی و بین‌المللی در همین موقف قرار دارد. هم اکنون صدراعظم کشور و وزیر خارجه ما از دهلی از کنفرانس کشورهای غیرمنسلك بکابل آمدند. گزارشی که بمن دادند برای شما می‌گویم که موقف افغانستان بسیار آبرومندانه و موفقیت‌آمیز بود.

برادران محترم هموطن!

قبلاً عرض کردم که یک دولت واقعی خدمتگذار مردم همیشه هدفش اینست که اتحاد برادرانه سراسر کشور خود را و مردم خود را تا مین بکند، بدون تبعیض و تفاوت، و از اتحاد و اتفاق آنها صلح و برادری و آشتی را در سراسر

وطن برقرار دارد. یکی از وظایف مهم که اکنون شما به کابل تشریف آورده اید و پیوندتان را با دولتتان اعلام داشته اید این است که به تبلیغات بزرگی در سراسر افغانستان به کمک دولت دست بزنید و به مردم ابلاغ کنید، به یک اعلامیه اکتفا باید نشود. باید با قبول قربانی و قبول وقف جان خود به ده، به قریه، به قشلاق، به کوه، به دره بروید برای مردم حقیقت را برسانید که هموطنان! تفنگ‌هایتان را برای حفظ ناموستان نگه کنید در برابر اشرار، در برابر اجیران مزدوری که از خارج تر بیه و فرستاده می‌شوند، بکار برید.

برای آنها پیام‌ها روان کنید، تبلیغات کنید که هرچه زودتر صلح سراسری در افغانستان بوجود بیاید و برادرکشی کاملاً از افغانستان برای همیشه محو گردد.

هموطنان محترم و گرامی!

بعد از تحول شش‌جده ما هزارها هیات خود را به سراسر افغانستان روان کردیم و به اساس عفو عمومی که از طرف هیات رئیسه شورای انقلابی توضیح شده دعوت کردیم که بیایید، برادران! مسایل را دور یک میز و مذاکره حل و فصل کنیم، ببینیم بین ما و شما چه اختلاف است. ما اطلاع حاصل کردیم که در فلان قریه و ده و قشلاق اشرار وجود

دارد و جای شان هم معلوم است، لیکن ما علیه شان اقدام نکردیم از توپ و تفنگ و طیاره استفاده نکردیم برای اینکه می فهمیدیم که در اینجا اگر پنج نفر شیر و قطاع الطریق و دزد از بین می رود صدها نفر طفل معصوم ما، مادران ما، پدران ما از بین می روند، اکنون وقت آن رسیده که بر اساس مذاکرات، جلسات، جرگه ها ما باهم يك مشت آهنین افغانی شویم.

برادران هموطن!

ما صلح و برادری سراسری تمام مردم افغانستان انقلابی، افغانستان آزاد و مستقل و سربلند را خواهانیم.

سیاست خارجی ما چه است؟

سیاست خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان از آنجایی که ماهیتاً مردم افغانستان مردم صلح دوست اند، سیاست صلح آمیز است ما می خواهیم که روابط نیک سیاسی بر اساس اصول همزیستی مسالمت آمیز و دوستانه با تمام خلق های جهان به خصوص خلق های مسلمان جهان داشته باشیم.

خلق پاکستان، خلق ایران، برادران خلق افغانستان هستند ما می خواهیم مردم ما به حیث همسایگان نیک برادرانه و دوستانه با این خلق ها و ملت ها زندگی کنند.

ما دو اعلامیه صادر کردیم، در دو اعلامیه دولت خوانده باشید، شنیده باشید من از شما خواهش میکنم که، عین همان متن‌ها را ببینید، اگر بتوانید آنرا با بعضی نشرات دیگر ما به دسترس دیگر برادران هم بگذارید.

به حکومت‌های پاکستان و ایران پیشنهاد کردیم که بیایید بفرمایید در سر میز مذاکره با هم بنشینیم برادرانه بنشینیم، چه مورد اختلاف است؟ براساس مذاکرات سیاسی و مسالمت‌آمیز ما می‌توانیم تمام مسایل را بلااستثنا حل و فصل کنیم. روابط را درست بسازیم. مسأله مهاجرین مهم است. خوب خود شما توضیحات بسیار وسیع دادید که این خود پاکستان است که مانع آمدن آن عده هموطنان ما از پاکستان می‌شود بگذارید که هموطنان ما درباره به وطن خود بیایند و می‌گویند که «انسانی زنده نیست که بی‌وطن است» هیچ انسان، بی‌وطن بوده نمیتواند.

دشمنان انقلاب تبلیغات دروغین پخش می‌کنند، هر روز در رادیوها دروغ می‌گویند. پیش ما اعتماد آنها سلب شده است. اینجا باید يك ضمانت داده شود، يك تضمین بین‌المللی وجود داشته باشد، قرارداد شود، امضا شود که دیگر علیه يك دیگر مداخله نمی‌کنیم و هیچ‌گاه علیه یکدیگر تجاوز نمی‌کنیم.

ما هیچ وقت ایرانی‌ها را علیه ایران، پاکستانی را علیه پاکستان تحریک نمی‌کنیم و حکومت پاکستان هم هیچ افغان شرافتمند و رنج‌کشیده ما را که اکثریت شان از سواد محروم هستند و هنوز حقایق را نمی‌فهمند علیه وطنش، مردمش، برادرانش استعمال نکند. همین‌طور ایرانی‌ها هیچ وقت افغان‌ها را علیه افغان‌ها استعمال نکنند. این سیاست سیاست استعماری قدیم انگریز و امپریالیست‌ها در راس امپریالیزم امریکاست که در داخل يك کشور يك هموطن را علیه هموطن دیگر استعمال کند تا دولت را از بین ببرد و دولت دست‌نشانده خود را بوجود بیاورد.

باز هم می‌گویم که ما با تمام مردم جهان به خصوص مسلمانان جهان و خاصاً مسلمانان پاکستان و ایران می‌خواهیم در فضای دوستی، همسایگی نیک و برادری زندگی کنیم.

نتیجه آخری این است که اتحادشوروی طوری که خود شما در بیانیه‌های تان توضیح گردید يك دوست صدیق و بی‌شایبه است.

هموطنان!

يك افغان بنابر خصوصیت و کرکتر خاصی که دارد هیچ وقت با کسی دست نمی‌دهد که دستش صادقانه

نباشد.

وقتی که تضمین بین‌المللی بوجود آمد مناسبات ما طوری با همسایگان ما نیک شد که دیگر تجاوزات از بین رفت، آزادی، استقلال ملی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی ما تضمین گردید، دیگر بالای افغان‌ها تجاوز خارجی صورت نگرفت در آنوقت قطعات محدود اتحادشوروی با اطمینان به سر بلندی و استقلال افغانستان، به کشور صلح‌آمیز خود پس عودت می‌کنند.

یک دولت واقعی خدمتگذار مردم همیشه هدفش اینست که اتحاد
برادرانه سرلاسر کشور خود را و مردم خود را تا اینسهم بکند، بدو، تبعیض و
تفاوت، و از اتحاد و اتفاق آنها صلح و برادری و آشتی را در سرلاسر
وطنش برقرار دارد.

<https://rahparcham\.org/>